



روزگار

www.ketab.ir





|                     |                                                                  |
|---------------------|------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | حافظ، شمس الدین محمد، -۷۹۲ ق.                                    |
| عنوان قراردادی      | دیوان، فارسی - انگلیسی                                           |
| عنوان و نام پدیدآور | دیوان حافظ شیرازی (فارسی - انگلیسی) / ترجمه و گردآوری لیلا رعیت. |
| مشخصات نشر          | تهران: اکتا، ۱۳۸۹.                                               |
| مشخصات ظاهری        | ۵۱۹ ص.                                                           |
| شابک                | ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۸-۲۶-۱                                                |
| وضعیت فهرست نویسی   | فایا                                                             |
| یادداشت             | فارسی - انگلیسی.                                                 |
| موضوع               | شعر فارسی -- قرن ۸ ق.                                            |
| موضوع               | شعر فارسی -- قرن ۸ ق. -- ترجمه شده به انگلیسی                    |
| موضوع               | شعر انگلیسی -- قرن ۲۰ م. -- ترجمه شده از فارسی                   |
| مناسبت افزوده       | رعیت، لیلا، -۱۳۵۶ مترجم                                          |
| زده بندی کنگره      | ۱۳۸۹ الف ۳۸ / ۵۴۲۶                                               |
| زده بندی دیویی      | ۸۴۱ / ۳۲                                                         |
| شماره کتابشناسی ملی | ۲۱۷۰۶۴۵                                                          |



نشر اکتا

عنوان: دیوان حافظ

ناشر: موسسه انتشاراتی اکتا

گردآوری و ترجمه: لیلا رعیت

تذهیب: آرام فریدوندی

صفحه آرایی و لیتوگرافی: نگین

چاپ: رنگ پنجم

صحافی: مبین

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۵۸-۲۶-۱

تهران: خیابان انقلاب - خیابان منیری جاوید - مابین روانمهر و لبافی نژاد - پلاک ۴۳

تلفن: ۶۶۴۸۵۱۸۰-۱ نمابر: ۶۶۴۸۵۱۸۲

www.oktapub.com

info@oktapub.com

حق نشر محفوظ است.

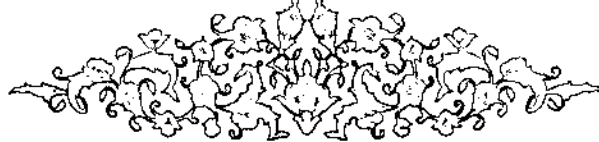


## خواجه حافظ شیرازی

شمس الدین محمد حافظ ملقب به خواجه حافظ شیرازی و مشهور به لسان الغیب از مشهورترین شعرای تاریخ ایران زمین است که تا نام ایران زنده و پا برجاست نام وی نیز جاودان خواهد بود. با وجود شهرت والای این شاعر گرانمایه، در خصوص دوران زندگی حافظ بویژه زمان به دنیا آمدن او اطلاعات دقیقی در دست نیست. وی در حدود سال ۷۲۶ ه.ق در شهر شیراز به دنیا آمده است. اطلاعات چندانی از خانواده و اجداد خواجه حافظ در دست نیست و ظاهراً پدرش بهاء الدین نام داشته و در دوره سلطنت اتابکان فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرده است. شمس الدین از دوران طفولیت به مکتب و مدرسه روی آورد و برای آموزش و سپری نمودن علوم و معلومات معمول زمان خویش به محضر علما و فضلاء زانگاهش شتافت و از محضر این بزرگان بویژه قوام الدین عبدا... بهره ها گرفت. خواجه در دوران جوانی بر تمام علوم مذهبی و ادبی روزگار خود تسلط یافت. او هنوز دهه بیست زندگی خود را سپری ننموده بود که یکی از مشاهیر علم و ادب دیار خود شد. وی در این دوره علاوه بر اندوخته عمیق علمی و ادبی خود قرآن را نیز کامل از حفظ داشت و از این روی تخلص حافظ بر خود نهاد. دوران جوانی حافظ مصداق بود با قول سلسله محلی اتابکان فارس و این ایالات مهم به تصرف خاندان اینجو در آمده بود. حافظ که در همان دوره به شهرت والایی دست یافته بود مورد توجه امرای اینجو قرار گرفت و پس از راه یافتن به دربار آنان به مقامی بزرگ نزد شاه شیخ جمال الدین ابواسحاق حاکم فارس دست یافت. دوره حکومت شاه ابواسحاق اینجو توأم با عدالت و انصاف بود و این امیر دانشمند و ادب دوست در دوره حکمرانی خود که از سال ۷۴۲ تا ۷۵۴ ه.ق بطول انجامید در عمران و آبادانی فارس و آسایش و امنیت مردم این ایالت بویژه شیراز کوشید. پس از این دوره صلح و صفا، امیر مبارز الدین مؤسس سلسله آل مظفر در سال ۷۵۴ ه.ق بر امیر اسحاق چیره گشت و پس از آنکه او را در میدان شهر شیراز به قتل رساند حکومتی مبتنی بر ظلم و ستم و سخت گیری را در سراسر ایالت فارس حکمفرما ساخت. امیر مبارز الدین شاهی تندخوی و ستمگر بود. اقدامات امیر مبارز الدین با مخالفت و ناراضیاتی حافظ مواجه گشت و وی با ناخشنودانه عمل آن را ریاکارانه و ناشی از خشک اندیشی و تعصب مذهبی قشری امیر مبارز الدین دانست. سلطنت امیر مبارز الدین مدت زیادی به طول نیانجامید و در سال ۷۵۹ ه.ق دو تن از پسران او شاه محمود و شاه شجاع که از خشونت بسیار امیر به تنگ آمده بودند توطئه ای فراهم آورده و پدر را از حکومت خلع کردند. این دو امیر نیز به نوبه خود احترام فراوانی به حافظ می گذاشتند و از آنجا که بهره ای نیز از ادب و علوم داشتند شاعر بلند آوازه دیار خویش را مورد حمایت خاص خود قرار دادند. اواخر زندگی شاعر بلند آوازه ایران همزمان با حمله امیر تیمور بود و این پادشاه بیرحم و خونریز پس از جنایات و خونریزی های فراوانی که در اصفهان انجام داد و از هفتاد هزار سر بریده مردم آن دیار چند مناره ساخت، روبه سوی شیراز نهاد. وفات حافظ احتمالاً در سال ۹۷۱ ه.ق روی داده است و حافظ در گلگشت مصلی که منطقه ای زیبا و با صفا بود و وی علاقه زیادی به آن داشت، به خاک سپرده شد و از آن پس آن محل به حافظیه مشهور گشت. نقل شده است که در هنگام تشییع جنازه خواجه شیراز گروهی از خشک اندیشان زمانه که اشعار حافظ و اشارات او به می و مطرب و ساقی را گواهی بر شرک و کفر وی می دانستند، مانع دفن حکیم طبق مراسم مسلمانان شدند. در مشاجره ای که بین دوستداران شاعر و مخالفان او در گرفت سرانجام قرار بر آن شد تا تقابلی به دیوان خواجه زده و داوری را به اشعار او واگذارند. پس از باز کردن دیوان اشعار این بیت شاهد آمد:

قدم دریغ مدار از جنازه حافظ که گر چه غرق گناه است می رود به بهشت

حافظ بیشتر عمر خود را در شیراز گذراند و بر خلاف سعدی به جز یک سفر کوتاه به یزد و یک مسافرت نیمه تمام به بندر هرمز همواره در شیراز بود. وی در دوران زندگی خود به شهرت عظیمی در سراسر ایران دست یافت و اشعار او به مناطقی دور دست همچون هند نیز راه یافت. نقل شده است که وی مورد احترام فراوان سلاطین آل جلایر و پادشاهان هندوستان قرار داشت و شاهان زیادی او را به پایتخت های خود دعوت کردند. حافظ تنها دعوت محمود شاه بهمنی را پذیرفت و عازم آن سرزمین شد ولی چون به بندر هرمز رسید و سوار کشتی شد طوفانی در گرفت و خواجه که در خشکی، آشوب و طوفان جوانی گوناگونی



را دیده بود نخواست خود را گرفتار آشوب دریا نیز بسازد از این رو از مسافرت منصرف شد. شهرت اصلی حافظ و رمز پویایی جاودانه آوازه او به سبب سرودن غزل های بسیار زیباست .

### ویژگی های شعر حافظ :

برخی از مهم ترین ابعاد هنری در شعر حافظ عبارتند از:

#### ۱- رمز پردازی و حضور سمبولیسم غنی

رمز پردازی و حضور سمبولیسم شعر حافظ را خانه راز کرده است و بدان وجه گوناگون بخشیده است. شعر وی بیش از هر چیز به آینه ای می ماند که صورت مخاطباتش را در خود می نمایاند، و این موضوع به دلیل حضور سرشار نمادها و سمبول هایی است که حافظ در اشعارش آفریده است و یا به سمبولهای موجود در سنت شعر فارسی روحی حافظانه نمیده است. چنان که در بیت زیر "شب تاریک" و "گرداب هایل" و ... را می توان به وجه گوناگون عرفانی، اجتماعی و شخصی تفسیر و تویل کرد :

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانست حال ما سبکباران ساحل ها

#### ۲- رعایت دقیق و ظریف تناسبات هنری در فضای کلی ادبیات

این تناسب که در لفظ قدما (البته در معنایی محدودتر) "مراعات النظیر" نامیده می شد، در شعر حافظ از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است . به روابط حاکم بر اجزاء این ابیات دقت کنید :

ز شوق ترکس مست بلندبالایی چو لاله با قداح افتاده بر لب جویم

شدم فسانه به سرگشتگی و ابروی دوست کشید در خم چوگان خویش چون گویم

#### ۳- لحن مناسب و شورا فکن شاعر در آغاز شعرها

ادبیات شروع هر غزل قابل تأمل و درنگ است. به اقتضای موضوع و مضمون، شاعر بزرگ لحنی خاص را برای شروع غزلهای خود در نظر می گیرد، این لحنها گاه حماسی و شور آفرین است و گاه رندانه و طنز آمیز و زمانی نیز حسرتبار و اندوهگین .

بیا تا گل برفا شنایم و می در ساعر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

من در انکار شراب این چه حکایت باشد غالیبا این قدرم عقل و کفایت باشد

بیا از موده ایم در این شهر بخت خویش بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش

#### ۴- طنز

زبان رندانه شعر حافظ به طنز تکیه کرده است. طنز ظریفی بیانی شعر او را تا سر حد امکان گسترش داده و بدان شور و حیاتی عمیق بخشیده است. حافظ به مدد طنز، به بیان ناگفته ها در عین ظرافت و گزندگی پرداخته و نوش و نیش را در کنار هم گرد آورده است . پادشاه و محتسب و زاهد ریاکار، و حتی خود شاعر در آماج طعن و طنز شعرهای او هستند :

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد که می حرام ولی بهر مال اوقاف است

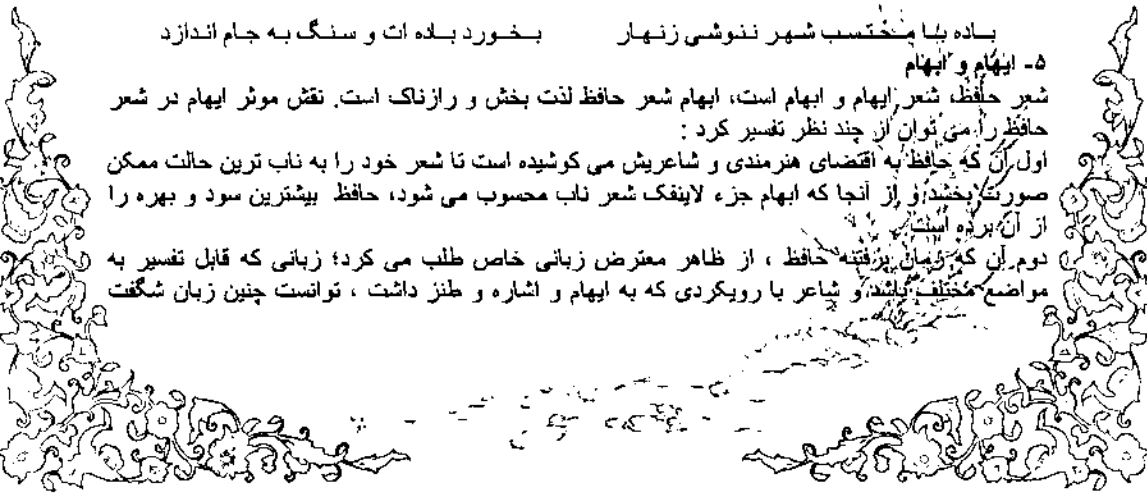
باده بیا بختسب شهر ننوشی زنهار بخورد باده ات و سنگ به جام اندازد

#### ۵- ابهام و ابهام

شعر حافظ، شعر ابهام و ابهام است، ابهام شعر حافظ لذت بخش و رازناک است. نقش موثر ابهام در شعر حافظ را می توان از چند نظر تفسیر کرد :

اول آن که حافظ به اقتضای هنرمندی و شاعریش می کوشیده است تا شعر خود را به ناب ترین حالت ممکن صورت بخشند. از آنجا که ابهام جزء لاینفک شعر ناب محسوب می شود، حافظ بیشترین سود و بهره را از آن برده است .

دوم آن که زبان پخته حافظ ، از ظاهر معترض زبانی خاص طلب می کرد؛ زبانی که قابل تفسیر به مواضع مختلف باشد. و شاعر یا رویگردی که به ابهام و اشاره و طنز داشت ، توانست چنین زبان شگفت





انگیزی را ابداع کند ؛ زبانی که هم قابلیت بیان ناگفته ها را داشت و هم سراینده اش را از فتنه های زمان در امان می داشت .

سوم آن که در سنن عرفانی آشکار کردن اسرار ناپسند شمرده می شود و شاعر و عارف متفکر، مجبور به آموختن زبان رمز است و راز آموزی عارفانه زبانی خاص دارد. از آن جا که حافظ شاعری با تعلقات عمیق عرفانی است، بی ربط نیست که از ایهام به عالیترین شکلش بهره بگیرد :

دی میشد و گفتم صنما عهد به جای آر  
گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست  
ایهام در کلمه "عهد" به معنای "زمانه" و "پیمان"

دل دانمش به مژده و خجلت همی برم  
زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست  
ایهام در ترکیب "نقد قلب" به معنای "نقد دل" و "سکه قلبی"

عمرثان باد و مراد ای ساقیان بزم جم  
گر چه جام ما نشد پرمی به دوران شما  
ایهام در کلمه "دوران" به معنای "عهد و دوره" و "دورگردانی ساغر"

تفکر حافظ عمیق، زنده، پویا، ریشه دار و در خروشی حماسی است . شعر حافظ بیت الغزل معرفت است .  
جهان بینی حافظ :

از مهمترین وجهه تفکر حافظ می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - نظام هستی در اندیشه حافظ همچون دیگر متفکران عارف ، نظام احسن است ، در این نظام گل و خار در کنار هم معنای وجودی می یابند :

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج  
فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست

من اگر خارم و گر گل چمن آرایی هست  
که از آن نست که او می کشدم می رویم  
۲ - عشق جان و حقیقت هستی است و هر دریای بزموج و خونفشان عشق جز جان سپردن چاره ای نیست :  
در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد  
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

مدعی خواست که آید به تماشای که را  
نست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد  
۳ - تسلیم و رضایت و توکل ابعاد دیگری از اندیشه و جهان بینی حافظ را تشکیل می دهد :  
آن چه او ریخت به پیمانه ما نوشیدیم ♦  
اگر از خمر بهشت است و گرنه پادشاه مست

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافریست  
۴ - فرزند زمان خود بودن ، نوشیدن جان حیات در لحظه ، درک و دریافت حالات حقیقی زندگی :  
به مامنی رو و فرصت شمر غنیمت وقت  
که در کینگی عمرند قاطعان طریق

فرصت شمار صحبت کز این دوراه منزل  
چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن  
۵- انتظار و طلب موعود ، انتظار رسیدن به فضایی آرمانی از مفاهیم عمیقی است که در سراسر دیوان حافظ به صورت آشکار و پنهان وجود دارد ، حافظ گاه به زبان رمز و سمبولیک و گاه به استعاره و کنایه در طلب موعود آرمانی است. اصلاح و اعتراض ، شعر حافظ را سرشار از خواسته ها، نیازهای متعالی بشر کرده است :

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید  
که ز انقباض خوشش بوی کسی می آید

ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی  
دل بی تو به جان آمد وقت آنست که بازایی

یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور  
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند  
چنان نماند چنین نیز غم نخواهد ماند